



Efficacy of Philosophy Training for Children on the Social Responsibility and Ethical Intelligence of 9-12-Year-Old Children

Zeinab Ghdiri Bidhendi¹ , Seyyed Mahmoud Mirzamani Bafghi^{2*}

1. Department of Clinical and Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: zeinab.ghadiri.1361@gmail.com

2. Corresponding Author, Department of Psychology, Faculty of Psychology, Basir Institute of Higher Education, Abik, Qazvin, Iran. Email: sm.mirzamani@bmsu.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: 15 Jun 2022

Revised: 04 Nov 2022

Accepted: 21 Nov 2022

Published: 30 Dec 2024

Keywords:

Ethical Intelligence, Social Responsibility, Training Philosophy for Children.

ABSTRACT

The present study was conducted to investigate the efficacy of philosophy training for children in fostering social responsibility and ethical intelligence in 9-12-year-old children. The present study was quasi-experimental with pretest, posttest and control group design method. Additionally, a two-month follow-up period was implemented. The statistical population of the current survey consisted of 9-11-year-old children residing in Tehran during the academic year 2021-2022. The purposive sampling method was employed to select thirty-two girls with low social responsibility and ethical intelligence. The girls were randomly assigned to the experimental and control groups, with 17 children in the experimental group and 15 in the control group. Eight 60-minute sessions of training philosophy for children were administered to the experimental group's children. The questionnaires that were implemented were the Social Responsibility Questionnaire (SAQ) and the Ethical Intelligence Questionnaire (EIQ). The collected data were analyzed through mixed ANOVA and Bonferroni test via SPSS23 software. The results showed that the instruction of children in philosophy has a significant effect on social responsibility ($F=36.30$, $\eta^2=0.55$, $P<0.001$) and ethical intelligence ($F=55$, $\eta^2=0.64$, $P<0.001$). According to the findings of the study it can be concluded that training philosophy for children can be used as an efficient method to improve the children's social responsibility and ethical intelligence through employing deep conversation and creating internal empowerment in the child.

Cite this article: Ghdiri Bidhendi, Z., & Mirzamani Bafghi, S. M. (2024). Efficacy of Philosophy Training for Children on the Social Responsibility and Ethical Intelligence of 9-12-Year-Old Children. *Journal of Applied Psychological Research*, 15(4), 147-161. doi: 10.22059/japr.2024.344560.644301.



Publisher: University of Tehran Press

DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2024.344560.644301>

© The Author(s).



اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر مسئولیت پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال

زینب غدیری بیدهندی^۱، سیدمحمود میرزمانی بافقی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری روان شناسی، گروه روان شناسی بالینی و تربیتی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

zeinab.ghadiri.1361@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استاد، گروه روان شناسی، دانشکده روان شناسی، موسسه آموزش عالی بصیر، آبیگ، قزوین، ایران. رایانامه: sm.mirzamani@bmsu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۸/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

کلیدواژه ها:

آموزش فلسفه به کودکان، مسئولیت پذیری اجتماعی، هوش اخلاقی.

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر مسئولیت پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال انجام گرفت. این پژوهش با روش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه گواه و مرحله پیگیری دوماهه انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کودکان ۹ تا ۱۲ ساله منطقه ۱۲ شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. در این پژوهش ۳۲ کودک (دختر) با ضعف در مسئولیت پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب و به روش تصادفی در گروه های آزمایش و گواه جای دهی شدند (۱۷ کودک در گروه آزمایش و ۱۵ کودک در گروه گواه). کودکان حاضر در گروه آزمایش آموزش فلسفه کودکان را در هشت جلسه ۶۰ دقیقه ای دریافت کردند. پرسشنامه های مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه مسئولیت پذیری اجتماعی (SRQ) و پرسشنامه هوش اخلاقی (EIQ) بود. داده های جمع آوری شده به شیوه تحلیل واریانس آمیخته و آزمون بنفرونی با استفاده از نرم افزار آماري SPSS-23 تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد آموزش فلسفه به کودکان بر مسئولیت پذیری اجتماعی ($F=36/30$; $\eta^2=0/55$; $P<0/001$) و هوش اخلاقی ($F=55$; $\eta^2=0/64$; $P<0/001$) کودکان تأثیر معنادار دارد. براساس یافته های پژوهش می توان نتیجه گرفت که آموزش فلسفه با بهره گیری از گفتگوی عمیق و ایجاد توانمندی درونی در کودک می تواند به عنوان روشی مناسب برای بهبود مسئولیت پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان مورد استفاده قرار گیرد.

استناد: غدیری بیدهندی، ز. و میرزمانی بافقی، س. م. (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر مسئولیت پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال. فصل نامه

پژوهش های کاربردی روانشناختی، ۱۵ (۴)، ۱۴۷-۱۶۱. doi: 10.22059/japr.2024.344560.644301

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران

DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2024.344560.644301>

© نویسندگان.



۱. مقدمه

دوران کودکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی می‌شود و شکل می‌گیرد. اغلب اختلال‌ها و ناسازگاری‌های رفتاری پس از این دوران ناشی از کمبود توجه به دوران حساس کودکی و عدم هدایت صحیح در روند رشد و تکامل است. این بی‌توجهی سبب عدم سازش و انطباق با محیط و بروز انحرافات گوناگون در ابعاد مختلف تحولی برای کودک می‌شود (ووک و همکاران^۱، ۲۰۱۷). دوران دبستانی^۲ دوره مهمی از نظر بررسی و تشخیص مشکلات هیجانی، اجتماعی و رفتاری کودکان به‌شمار می‌رود و تشخیص و درمان مناسب این مشکلات می‌تواند در آینده زندگی خانوادگی، اجتماعی، تحصیلی و شغلی کودکان بسیار مؤثر واقع شود (کیو و همکاران^۳، ۲۰۲۰). در میان همه سطوح آموزش و پرورش، مرحله دبستان حساسیت و اهمیت ویژه‌ای دارد. در این دوره بنیان‌های فکری و ذهنی کودکان برای یادگیری مفاهیم گوناگون و پرورش ابعاد مختلف جسمی، اجتماعی، روانی، شناختی و استعدادهای گوناگون گذاشته می‌شود. به عبارت دیگر آموزش و پرورش دبستانی سنگ‌بنا و اساس فعالیت‌های آموزش و پرورش کودکان برای سطوح بعد است (والن و همکاران^۴، ۲۰۱۷). از آنجا که دبستان دوره‌ای است که تجربیات مهم کودک در این دوره کسب و تجربه می‌شود، تجربیات این دوره اهمیت بسزایی در رشد و تحول کودک دارد (کانن و بروکر^۵، ۲۰۱۷)؛ چرا که دبستان نه تنها اولین محیط آموزشی رسمی است که کودکان به آن وارد می‌شوند، بلکه اولین محیط اجتماعی جدا از خانواده و آشنایان است که در کنار خانواده مهارت‌های اجتماعی کودکان را شکل می‌دهند (بیلدیریم و همکاران^۶، ۲۰۲۰؛ رن و ژو^۷، ۲۰۱۹). یادگیری مهارت‌های اجتماعی و حساسیت به رخدادهای محیطی سبب می‌شود تا کودکان در سنین دبستان مسئولیت‌پذیری اجتماعی^۸ را نیز فراگیرند (جلائی و همکاران، ۱۳۹۸). این در حالی است که عدم حساسیت کافی به مسئولیت اجتماعی، کودکان را می‌تواند به فردی اهمال‌کار تبدیل کند (سیدیقای و همکاران^۹، ۲۰۱۹).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی توانایی و مهارت در برآورده کردن نیازهای اجتماعی خود، بدون محروم کردن دیگران از برآورده کردن نیازهایشان است (فتحی و همکاران، ۱۳۹۷). مسئولیت‌پذیری اجتماعی مهارتی است که افراد برای برخورداری از یک رابطه رضایت‌بخش و پایدار باید در خود پرورش دهند. انسان اجتماعی از دیرباز برای زیستن ناگزیر به همکاری با هموعان خود و قبول مسئولیت بوده تا از طریق کمک و همیاری دیگران، نیازهای خود را برطرف سازد. از این‌رو افراد بدون قبول مسئولیت نمی‌تواند رشد کنند و برای دستیابی به موفقیت باید مسئولیت‌پذیر باشد (ووبولینگ و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۰). انسان‌های غیرمسئول، نه برای خود ارزش قائل هستند و نه دیگران. در نتیجه خود و دیگران را آزرده می‌کنند. در مقابل، انسان‌های مسئول، خود را موظف به انجام دادن کارها و مسئولیت‌هایشان می‌دانند و به آسایش دیگران می‌اندیشند. آن‌ها همواره به دنبال کارهای مهم و موفقیت‌های ارزنده‌تر هستند و اگر در کاری شکست بخورند یا در زندگی دچار اشتباهی شوند، به جای تکیه بر اسنادهای بیرونی درصدد اصلاح آن برمی‌آیند (شریعت‌باقری و نیک‌پور، ۱۳۹۷). هدف از افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کودکان آن است که آنان در آینده برای جامعه خود نقشی مثبت ایفا کنند، نیاز اجتماع را بر نیاز فردی خود مقدم بشمرند و حقوق شهروندی را رعایت کنند. چنین روندی سبب می‌شود تا آنان بتوانند مسئولیت‌های خانواده و در مقیاسی بزرگ‌تر، مسئولیت‌های جامعه را برعهده گیرند (جلائی و همکاران، ۱۳۹۸).

بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی سبب می‌شود کودکان بتوانند در دیگر زمینه‌های اخلاقی مانند هوش اخلاقی^{۱۱} عملکرد بهتری را از خود نشان دهند. این در حالی است که تقویت هوش اخلاقی کودکان، بهترین فرصت برای قرارداد آن‌ها در مسیر

1. Kwok et al.

2. preschool

3. Qu et al.

4. Whalen et al.

5. Canen & Brooker

6. Yildirim et al.

7. Ren & Xu

8. social responsibility

9. Siddiqui et al.

10. Wubbolding et al.

11. ethical intelligence

درست است تا بتوانند علاوه بر درست فکر کردن، درست هم عمل کنند (ترتبی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰). هوش اخلاقی توان تشخیص درست از نادرست است؛ یعنی داشتن اعتقادات اخلاقی محکم و عمل کردن براساس آن‌ها، به‌گونه‌ای که شخص رفتاری درست و محترمانه داشته باشد (غلامی‌مطلق و همکاران^۱، ۲۰۲۰). مفهوم هوش اخلاقی در قالب هفت فضیلت همدلی، وجدان، خویش‌داری، احترام، مهربانی، بردباری و عدالت مطرح شده است. بدون این فضیلت‌ها رفتار درست از افراد سر نمی‌زند، اما از میان همین فضائل هفت‌گانه اهم و مهمی وجود دارد. همدلی و وجدان و خویش‌داری بنیاد هوش اخلاقی یا رمز اخلاقی‌اند. اگر چنین بنیادی فراهم آید، احترام، مهربانی، بردباری و عدالت بر این بنیاد استوار می‌شوند (لنیک و کیل^۲، ۲۰۱۱). هوش اخلاقی به این نکته اشاره دارد که افراد به‌صورت ذاتی، اخلاقی یا غیراخلاقی به دنیا نمی‌آیند، بلکه یاد می‌گیرند چگونه خوب باشند. یادگیری برای خوب بودن شامل ارتباطات، بازخورد، جامعه‌پذیری و آموزش است که هرگز پایان‌پذیر نیست (پورسید و پورسید، ۱۴۰۰).

برای بهبود مؤلفه‌های شناختی، روانی، هیجانی و اجتماعی کودکان از روش‌های آموزشی و درمانی مختلفی استفاده شده است. یکی از روش‌های مؤثر در این زمینه، آموزش فلسفه برای کودکان^۳ است که براساس پژوهش لام^۴ (۲۰۲۲)، هامبرتو و همکاران^۵ (۲۰۲۲)، مالبوئف-هارتابیسی و همکاران^۶ (۲۰۲۱)، ایسیکلار و اوزتارک^۷ (۲۰۲۱)، شیرزادی و همکاران (۱۴۰۰)، دهقان منشادی و همکاران (۱۴۰۰)، رحیمی و همکاران (۱۳۹۸)، چراغ‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، فتحی و همکاران (۱۳۹۸)، فتحی آذر و همکاران (۱۳۹۸)، عیسی مراد و همکاران (۱۳۹۸)، رستمی و همکاران (۱۳۹۸)، فلاح مهنه و همکاران (۱۳۹۷) و محمدیان و فرقدانی (۱۳۹۷) اثربخشی بالینی مؤثری در بهبود مؤلفه‌های شناختی، روانی، عاطفی و اجتماعی کودکان دارد. لیپمن^۸ (۲۰۰۳) این برنامه را برای کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی طراحی کرد تا فرصتی برای تفکر و کاوش با همکلاسی‌های خود داشته باشند. او معتقد بود نباید به کودکان گفت چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است، بلکه کودکان باید با گفتگوهای اکتشافی با یکدیگر به نتیجه برسند. با توجه به پیش‌فرض‌های موجود برنامه فلسفه برای کودکان، با ارتقای مهارت‌های همکاری و تفکری که در این برنامه ایجاد می‌شود، ارتباط و مسئولیت‌پذیری اجتماعی کودکان افزایش می‌یابد (چراغ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). اجرای یک برنامه فلسفه برای کودکان موجب بهبود و توسعه تفکر انتقادی، نوآورانه، منسجم و ریزبین می‌شود. افرادی که این دوره‌ها را می‌گذرانند، مهارت‌های تفکر سطح بالاتری را می‌آموزند و در صورت لزوم می‌توانند نگرش خود را تغییر دهند. این امر مهارت‌های ارتباطی و توانایی آن‌ها را برای ارتباط با دیگران بهبود می‌بخشد. مهارت‌های خاصی که از این طریق در کودک ایجاد می‌شود شامل مهارت‌های شناختی، ارزیابی استدلال و روابط سببی، اصلاح خود، مهارت‌های همکاری، گوش‌دادن به دیگران، داشتن تفکر باز و شفاف، اطمینان در ابراز خود، شادی در ارائه انتقاد و شادی در پذیرش و پاسخ به انتقاد از نظرات دیگران به همراه احترام است (فتحی و همکاران، ۱۳۹۸). برنامه آموزش فلسفه نه‌تنها فرصتی را برای کودکان فراهم می‌کند تا توانایی‌های شناختی و ادراکی خود را کشف و تمرین کنند، بلکه زمینه را برای کشف و خلق ارزش‌ها و آرمان‌هایی که از نظر آن‌ها مهم و قابل احترام هستند، ایجاد می‌کند (محمدیان و فرقدانی، ۱۳۹۷).

در باب ضرورت انجام پژوهش حاضر می‌توان گفت پرداختن به مؤلفه‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی در کودکان اهمیت بسیار دارد؛ چرا که جامعه سعادتمند و مرفعی همواره به افرادی نیاز دارد که در برابر رخدادهای اجتماعی و محیطی مسئولیت‌پذیری زیادی را از خود نشان دهند و اصول اخلاقی نیز برای آنان دارای اهمیت باشد. این در حالی است که در سال‌های اخیر خواسته یا ناخواسته بیشترین تمرکز سیستم آموزشی و همچنین والدین بر بالندگی شناختی و تحصیلی کودکان بوده و پرورش روانی و اخلاقی آنان و مؤلفه‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی مورد غفلت قرار گرفته است.

1. Gholami Motlagh et al.
2. Lennick & Kiel
3. philosophy for children
4. Lam
5. Humberto et al.
6. Malboeuf-Hurtubise et al.
7. Isiklar & Ozturk
8. Lipman

براین اساس ضرورت به‌کارگیری مداخلات روان‌شناختی برای رشد این مؤلفه‌ها در کودکان بسیار حیاتی است. علاوه‌براین توجه به سلامت روانی و هیجانی کودکان در هر جامعه‌ای حائز اهمیت فراوان است؛ چرا که این گروه از جامعه در آینده نزدیک، باید به ایفای نقش اجتماعی و شغلی بپردازند و آسیب‌پذیری روان‌شناختی و اجتماعی آنان سبب می‌شود آن‌ها نتوانند کارکرد اجتماعی، روان‌شناختی و تحصیلی مناسب را از خود بروز دهند که این فرایند نشان از ضرورت دیگر انجام پژوهش حاضر دارد؛ بنابراین با توجه به موضوعات مطرح‌شده و اهمیت فراوان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان، و از سوی دیگر با توجه به خلأ پژوهشی حاضر، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان است. فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. آموزش فلسفه به کودکان بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی کودکان تأثیر دارد.

۲. آموزش فلسفه به کودکان بر هوش اخلاقی کودکان تأثیر دارد.

۲. روش

۲-۱. جامعه، نمونه و روش اجرا

این پژوهش به روش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه و دوره پیگیری دوماهه اجرا شد. جامعه آماری پژوهش شامل کودکان ۹ تا ۱۲ ساله شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. انتخاب حجم نمونه به روش نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفت. بدین‌صورت که یکی از مناطق ۲۴ گانه آموزش و پرورش شهر تهران (منطقه ۱۲) انتخاب شد و با مراجعه به ده آموزشگاه ابتدایی دخترانه این منطقه، کودکان ۹ تا ۱۲ ساله با پرسشنامه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی بررسی شدند. در صورتی که کودکی که نمره کمتر از ۱۴۰ در پرسشنامه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نمره کمتر از ۱۰۰ در پرسشنامه هوش اخلاقی کسب کرد، به‌عنوان کودکی قلمداد شد که با در نظر گرفتن دیگر ملاک‌های ورد به پژوهش، شرایط ورود به پژوهش را دارد. در این مرحله ۶۹ کودک دارای شرایط ورود به پژوهش تشخیص داده شدند. سپس از بین این کودکان ۴۰ کودک از آن‌ها به‌ترتیب براساس نمره پرسشنامه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی انتخاب و به روش تصادفی در گروه‌های آزمایش و گواه جایگزین شدند (۲۰ کودک در گروه آزمایش و ۲۰ کودک در گروه گواه). سپس گروه آزمایش آموزش فلسفه به کودکان را طی هشت هفته به‌صورت هفته‌ای یک جلسه ۶۰ دقیقه‌ای دریافت کرد، اما گروه گواه هیچ‌گونه مداخله‌ای را در طول پژوهش دریافت نکرد و در انتظار دریافت مداخلات حاضر بود. پس از اتمام جلسات، پس‌آزمون و برای اطمینان از ثبات نتایج مرحله پیگیری دوماهه اجرا شد. پس از شروع مداخله ۳ کودک در گروه آزمایش و ۵ کودک در گروه گواه از ادامه حضور در پژوهش انصراف دادند. براین اساس ۳۲ کودک در پژوهش باقی ماندند (۱۷ کودک در گروه آزمایش و ۱۵ کودک در گروه گواه). ملاک‌های ورود به پژوهش شامل دامنه سنی ۹ تا ۱۲، جنسیت دختر، کسب نمره کمتر از ۱۴۰ در پرسشنامه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نمره کمتر از ۱۰۰ در پرسشنامه هوش اخلاقی، حضور در پایه تحصیلی چهارم، پنجم و ششم، رضایت دانش‌آموز و والد برای شرکت فرزند خود در پژوهش، نداشتن بیماری جسمی و روان‌شناختی حاد و مزمن (با توجه به پرونده سلامت و مشاوره‌ای آنان) و عدم دریافت مداخله روان‌شناختی هم‌زمان بود. همچنین ملاک‌های خروج از پژوهش شامل داشتن بیش از دو جلسه غیبت، عدم همکاری و انجام‌دادن تکالیف مشخص‌شده در کلاس، عدم تمایل به ادامه حضور در فرایند پژوهش، وقوع حادثه پیش‌بینی‌نشده و عدم پاسخگویی به پرسشنامه‌های پژوهش در یکی از مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون یا پیگیری بود. یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان داد میانگین سن در گروه آزمایش $10/14 \pm 2/33$ سال و در گروه گواه $11/26 \pm 2/22$ سال بود. مطابق نتایج، بیشتر کودکان گروه آزمایش (۹ کودک معادل ۵۲/۹۴ درصد) در پایه چهارم و گروه گواه نیز (۷ نفر معادل ۴۶/۶۶ درصد) در پایه چهارم به تحصیل مشغول بودند.

۲-۲. ابزارهای سنجش

۲-۲-۱. پرسشنامه مسئولیت‌پذیری اجتماعی^۱ (SRQ)

پرسشنامه مسئولیت‌پذیری اجتماعی توسط کردلو (۱۳۸۷) به منظور سنجش میزان مسئولیت اجتماعی دانش‌آموزان ۹ تا ۱۵ ساله در خانه و مدرسه تهیه شده است. این پرسشنامه دارای ۵۶ گویه و ۵ زیرمقیاس احساس امنیت^۲، عزت‌نفس^۳، احساس تعلق^۴، تعهد درونی^۵ و تعهد درونی^۶ است که براساس طیف لیکرت از اصلاً راضی نیستم (نمره ۱) تا کاملاً راضی هستم (نمره ۴) نمره‌گذاری شده است. براین اساس دامنه امتیاز این پرسشنامه ۵۶ تا ۲۲۴ است که کسب نمرات بالای ۱۴۰ بیانگر مسئولیت اجتماعی بالاست (کردلو، ۱۳۸۷). آیت‌های ۷، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۵ و ۵۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. این پرسشنامه روی جامعه آماری دانش‌آموزان شهر تهران اجرا شد که در آن ۴۷۹ دانش‌آموز دختر و پسر شهر تهران آزمون شدند. اعتبار این آزمون با همبسته کردن سوالات ۰/۸۲ و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد که بیانگر روایی و پایایی پرسشنامه است (کردلو، ۱۳۸۷). پایایی پرسشنامه در این پژوهش با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه شد.

۲-۲-۲. پرسشنامه هوش اخلاقی^۷ (EIQ)

پرسشنامه هوش اخلاقی کودکان توسط امینی‌مقدم، رضایی و مکوند حسینی (۱۳۹۷) براساس نظریه بوربا^۸ (۲۰۰۵) به منظور سنجش هوش اخلاقی کودکان ۸ تا ۱۲ ساله طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۳۳ سؤال است و براساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت با سؤالاتی مانند «سریع عصبانی می‌شوم و به سختی می‌توانم آرام بگیرم» برای سنجش هوش اخلاقی کودکان تهیه شده است. محدوده پنج‌گزینه‌ای از ۱ تا ۵ است. سوالات ۱ تا ۷ معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمرات این پرسشنامه ۳۳ تا ۱۶۵ خواهد بود که هرچه نمره این پرسشنامه بالاتر از ۱۰۰ باشد، هوش اخلاقی در کودکان بیشتر است و برعکس (امینی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۷). در پژوهش امینی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۷)، روایی محتوایی، صوری و ملاکی این پرسشنامه به صورت مناسب ارزیابی شده است. محاسبه ضریب آلفای کرونباخ در مطالعه امینی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۷) برای این پرسشنامه بالای ۰/۷ برآورد شد. پایایی پرسشنامه در این تحقیق با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ اندازه‌گیری شد.

۲-۳. روند اجرای مداخله آموزشی

به منظور انجام پژوهش ابتدا هماهنگی‌های لازم با مسئولان آموزش و پرورش منطقه ۱۲ تهران انجام شد. سپس با هماهنگی مسئولان دبستان‌های دخترانه، پرسشنامه مسئولیت اجتماعی و هوش اخلاقی در اختیار کودکان ۹ تا ۱۲ سال قرار گرفت و کودکان هدف (کودکان با ضعف در مسئولیت اجتماعی و هوش اخلاقی) برای شرکت در پژوهش شناسایی شدند. سپس با رضایت آگاهانه این کودکان و والدین آن‌ها و انتساب تصادفی آن‌ها در گروه آزمایش و گواه (۲۰ کودک در گروه آزمایش و ۲۰ کودک در گروه گواه)، پرسشنامه‌های پژوهش در مرحله پیش‌آزمون اجرا شد. در نهایت، گروه آزمایش به مدت هشت هفته، هفته‌ای یک بار (هشت جلسه ۶۰ دقیقه‌ای) به کودکان فلسفه آموزش داده شد؛ درحالی‌که گروه گواه مداخلات درمانی دریافت نکردند. پس از یک دوره دوماهه، مرحله پیگیری انجام شد. به منظور ایجاد انگیزه در کودکان برای شرکت در پژوهش حاضر، جنبه‌های درمانی و آموزشی مداخلات قبل از مداخله برای آن‌ها و والدینشان توضیح داده شد. اما تمامی مراحل اجرای مداخله به صورت رایگان در اختیار آن‌ها قرار گرفت. شایان ذکر است مداخله مطالعه حاضر توسط پژوهشگر و متخصص با رعایت کامل پروتکل‌های بهداشتی ارائه شده است. پس از مداخله، ۳ کودک در گروه آزمایش و ۵ کودک در گروه گواه از مطالعه انصراف

1. Social Responsibility Questionnaire
2. feeling of security
3. self-esteem
4. sense of belonging
5. inner commitment
6. inner commitment
7. Ethical Intelligence Questionnaire
8. Borba, M.

دادند. براین‌اساس، ۳۲ کودک در مطالعه باقی ماندند (۱۷ کودک در گروه آزمایش و ۱۵ کودک در گروه گواه). جلسات مداخله برای آموزش فلسفه به کودکان برگرفته از پروتکل فتحی آذر، تقی‌پور و حاج آقایی خیابانی (۱۳۹۸) است.

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزش فلسفه برای کودکان

جلسه	هدف	شرح جلسه
جلسه اول	آشنایی و معارفه	آشنایی و معارفه، بیان مقررات و قوانین گروه، توضیحات اولیه و ساده برای معرفی آموزش فلسفه، چیدمان کلاس به شکل دایره‌وار، جدول زمان‌بندی و لیست جلسات آینده
جلسه دوم	آماده‌سازی ذهنی کودکان با چالش‌های اجتماعی موجود	بررسی چالش کودکان در محیط اجتماعی، عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی کودکان از دید خود آنان، بررسی پیشنهادها و مبنی بر افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی تحصیلی و به‌بحث‌نهادن آن از طرف معلم به‌عنوان تسهیل‌گر. ارائه تکلیف خانگی مبنی بر یادداشت موانع مسئولیت‌پذیری اجتماعی کودک
جلسه سوم	تمرکز بر هوش اخلاقی	فراهم‌کردن شرایط توسط تسهیل‌گر (معلم) در جهت بحث در حوزه هوش اخلاقی از طرف کودکان. بدین‌صورت که تسهیل‌گر (معلم) تلاش کرد راهبردهای بهبود هوش اخلاقی مورد قبول اکثریت را مشخص کند و سپس یکی از راهبردها را در کلاس ارائه دهد. تکلیف خانگی: در رابطه با هوش اخلاقی مورد استفاده در بحث کلاسی فکر کند و نقاط ضعف آن را یادداشت کند
جلسه چهارم	آموزش مسائل و قوانین اجتماعی در محیط اجتماعی	در این جلسه تسهیل‌گر (معلم) با ارائه داستان فلسفی «ماجرای رویارویی فینگل» تلاش کرد قوانین و مسائل اجتماعی در محیط اجتماعی را از پردازش شناختی کودکان فراخواند و آن‌ها را میان کودکان به بحث گذارد. تکلیف خانگی: یادداشت مهم‌ترین قوانین اجتماعی مطرح‌شده در محیط اجتماعی
جلسه پنجم	تسلط بر ارتقا مسئولیت‌پذیری اجتماعی	در این جلسه تسهیل‌گر (معلم) تلاش کرد ایده‌های کودکان را مبنی بر تسلط بر ارتقای مسئولیت‌پذیری اجتماعی مورد شناسایی و بحث قرار دهد. تسهیل‌گر (معلم) در کنار بررسی ایده‌های دانش‌آموزان تلاش کرد از روش یادگیری کاهنده بهره برد. تکلیف خانگی: تمرین در جهت تسلط بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی
جلسه ششم	آشنایی با خودارزیابی، سازمان‌دهی و نظارت	تسهیل‌گر (معلم) جلسه را با این سؤال آغاز کرد: چگونه می‌توان بر خود نظارت و فعالیت‌های اجتماعی خود را ارزیابی کرد؟ کودکان با مشارکت در بحث روش‌های خودنظارتی و خودارزیابی را تصریح کردند. سپس تسهیل‌گر (معلم) با جمع‌بندی این مباحث و با بهره‌بردن از روش‌های ارائه‌شده کودکان، فرایندهای خودنظارتی، خودارزیابی و سازمان‌دهی را با ارائه یک مثال آموزش داد. تکلیف خانگی: یادگیری و انجام یک رفتار در حوزه مسئولیت‌پذیری اجتماعی با استفاده از روش خودنظارتی و خودارزیابی
جلسه هفتم	آموزش ارزش‌ها در برای بهبود هوش اخلاقی	در این جلسه تسهیل‌گر (معلم) از کودکان خواست تا موارد بالارزش در زندگی خود را بیان کنند. سپس رفتارهای اخلاق‌مدارانه به‌عنوان یکی از ارزش‌های مورد اشاره کودکان مورد تصریح قرار گرفت. تکلیف خانگی: تمرکز بر یادگیری رفتارهای اخلاق‌مدارانه با در نظر گرفتن اخلاق به‌عنوان یکی از ارزش‌های کودک
جلسه هشتم	آموزش تفکر آگاهانه	در این جلسه تسهیل‌گر (معلم) از کودکان خواست تا با یکدیگر بحث و گفتگو کنند تا فرایند مباحثه و مواجهه فکری برای آنان به‌صورت امری بدیهی درآید. این فرایند سبب شد تا آنان به‌مرور تفکر آگاهانه را آغاز و شروع به اندیشیدن کنند. تکلیف خانگی: انجام یک رفتار یا مطالعه دروس با به‌کارگیری آگاهی در لحظه

منبع: فتحی آذر و همکاران، ۱۳۹۸

۴-۲. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در سطح آمار توصیفی، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون شاپیرو-ویلک^۱ برای بررسی نرمال‌بودن توزیع متغیرها (حد بهینه بیشتر از ۰/۰۵)، آزمون لوین^۲ برای بررسی برابری واریانس‌ها (بهینه) برای بررسی فرضیه کروی داده‌های تحقیق از آنالیز مولی^۳ (حد بهینه بیشتر از ۰/۰۵) و برای آزمون فرضیه‌ها از تحلیل واریانس آمیخته^۴ و آزمون تعقیبی بنفرونی^۵ استفاده شد. نتایج آماری با نرم‌افزار آماری SPSS-23 تجزیه و تحلیل شدند.

1. Shapiro-Wilk test
2. Levine test
3. Mauchly's Test
4. mixed variance analysis
5. Bonferroni follow-up test

۳. یافته‌ها

۳-۱. توصیف جمعیت‌شناختی

یافته‌های جمعیت‌شناختی نشان داد همه کودکان حاضر در پژوهش دختر بودند. همچنین میانگین سن کودکان حاضر در گروه آزمایش ۱۰/۷۵ و در گروه گواه ۱۱/۲۶ سال بود. نتایج تحلیل واریانس بیانگر آن بود که بین میانگین سنی گروه‌های آزمایش و گواه تفاوت معناداری وجود ندارد و نیاز به تفکیک اثر آن در پژوهش حاضر احساس نمی‌شود.

۳-۲. شاخص‌های توصیفی

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای وابسته پژوهش در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری، به تفکیک دو گروه آزمایش و گواه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال

مؤلفه‌ها	گروه‌ها	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	گروه آزمایش	۱۳۳/۹۴	۱۲/۴۸	۱۴۶/۹۴	۱۸/۱۸	۱۴۵/۸۸	۱۶/۹۵
	گروه گواه	۱۲۹/۸۰	۱۵/۰۸	۱۲۸/۶۰	۱۵/۶۳	۱۲۹/۶۶	۱۵/۳۲
هوش اخلاقی	گروه آزمایش	۹۲/۸۲	۸/۴۳	۱۰۵/۴۷	۱۱/۴۱	۱۰۴/۴۱	۱۱/۲۴
	گروه گواه	۹۱/۸۰	۱۰/۱۵	۹۱/۰۶	۹/۷۶	۹۲/۲۶	۱۰/۰۳

۳-۳. بررسی پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک

قبل از ارائه نتایج تحلیل واریانس آمیخته، پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک مورد سنجش قرار گرفت. بر همین اساس نتایج آزمون شاپیرو ویلک بیانگر آن بود که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها در متغیرهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی ($F=0/15$; $P=20$) و هوش اخلاقی ($F=0/14$; $P=20$) برقرار است. همچنین پیش‌فرض همگنی واریانس نیز با آزمون لوین مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن معنادار نبود. این یافته نشان می‌داد پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها در دو متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی ($F=0/14$; $P=0/70$) و هوش اخلاقی ($F=0/41$; $P=0/38$) رعایت شده است. از طرفی نتایج آزمون t نشان داد تفاوت نمره‌های پیش‌آزمون گروه‌های آزمایش و گروه گواه در متغیرهای وابسته (مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی) معنادار نبوده است ($p>0/05$). این در حالی بود که نتایج آزمون موچلی بیانگر آن بود که پیش‌فرض کرویت داده‌ها در متغیرهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی ($Mauchlys W=0/92$; $P=49$) و هوش اخلاقی ($Mauchlys W=0/91$; $P=35$) رعایت شده است.

۳-۴. آزمون فرضیه‌ها

جدول ۳. تحلیل واریانس آمیخته برای بررسی تأثیرات درون و بین گروهی برای متغیرهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی

متغیرها	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار f	مقدار p	اندازه اثر	توان آزمون
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	مراحل	۲	۳۷۰/۱۰	۲۸/۷۵	۰/۰۰۱	۰/۴۹	۱
	گروه‌بندی	۱	۳۹۷۷/۸۳	۱۵/۴۹	۰/۰۰۱	۰/۴۱	۱
	تعامل مراحل و گروه‌بندی	۲	۴۶۷/۴۳	۳۶/۳۱	۰/۰۰۱	۰/۵۵	۱
	خطا	۶۰	۷۷۲/۳۱	۱۲/۸۷			
هوش اخلاقی	مراحل	۲	۳۸۱/۵۴	۵۱/۳۲	۰/۰۰۱	۰/۶۳	۱
	گروه‌بندی	۱	۲۰۱۹/۴۰	۲۲/۴۴	۰/۰۰۱	۰/۴۷	۱
	تعامل مراحل و گروه‌بندی	۲	۴۰۸/۸۳	۵۵	۰/۰۰۱	۰/۶۴	۱
	خطا	۶۰	۴۴۶	۷/۴۳			

با توجه به جدول ۳ عامل عضویت گروهی یعنی آموزش فلسفه به کودکان بر نمرات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله دارای اثرگذاری معنادار است و به ترتیب ۴۱ و ۴۷ درصد از تفاوت در نمرات مسئولیت‌پذیری

اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان را تبیین می‌کند. همچنین نتایج بیانگر آن است که اثر متقابل نوع مداخله یعنی آموزش فلسفه به کودکان و عامل زمان هم بر نمرات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال دارای اثرگذاری معنادار است ($p < 0.001$)؛ بنابراین نتیجه گرفته می‌شود آموزش فلسفه به کودکان در مراحل مختلف ارزیابی هم بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله به میزان ۵۵ و ۶۴ درصد تأثیر معنادار داشته است. توان آماری کسب‌شده نیز حکایت از دقت آماری بالا و کفایت حجم نمونه در این پژوهش است. در جدول ۴ مقایسه زوجی میانگین نمرات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان حاضر در پژوهش برحسب مرحله ارزیابی با استفاده از آزمون تعقیبی بنفرونی ارائه می‌شود.

جدول ۴. نتایج آزمون تعقیبی بنفرونی برای مقایسه زوجی میانگین نمره مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی در مراحل سه‌گانه

متغیر	مرحله مبنا (میانگین)	مرحله مورد مقایسه (میانگین)	تفاوت میانگین‌ها	خطای انحراف معیار	معناداری
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۵/۹۰	۱/۱۵	۰/۰۰۱
	پیش‌آزمون	پیگیری	-۵/۸۰	۱	۰/۰۰۱
	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۵/۹۰	۱/۱۵	۰/۰۰۱
	پس‌آزمون	پیگیری	-۰/۱۰	۰/۲۹	۰/۸۹
هوش اخلاقی	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۵/۹۵	۰/۸۱	۰/۰۰۱
	پیش‌آزمون	پیگیری	-۶/۱۴	۰/۷۹	۰/۰۰۱
	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۵/۹۵	۰/۸۱	۰/۰۰۱
	پس‌آزمون	پیگیری	۰/۱۹	۰/۳۳	۰/۷۸

همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد، بین میانگین نمرات مرحله پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری در متغیرهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی تفاوت معنادار وجود دارد. این یعنی آموزش فلسفه به کودکان توانسته به شکل معناداری نمرات پس‌آزمون و پیگیری مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله را نسبت به مرحله پیش‌آزمون دچار تغییر کند. یافته دیگر این جدول نشان داد بین میانگین نمرات مرحله پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معنادار وجود ندارد. این یافته را می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که نمرات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله که در مرحله پس‌آزمون دچار تغییر معنادار شده بود، توانسته این تغییر را در طول دوره پیگیری نیز حفظ کند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف ارزیابی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله انجام گرفت. نتایج مشخص کرد اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله تأثیر معنادار دارد. بدین‌صورت که این آموزش توانسته موجب بهبود مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله شود. یافته نخست پژوهش مبنی بر اثر آموزش فلسفه به کودکان بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی این کودکان با یافته‌های پیشین همسویی داشت. چنان‌که شیرزادی و همکاران (۱۴۰۰) کارایی آموزش فلسفه کودکان بر هنجارگریزی دانش‌آموزان پسر را نشان دادند. همچنین فتحی و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند آموزش فلسفه کودکان بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مؤثر است. علاوه‌براین فتحی آذر و همکاران (۱۳۹۸) دریافتند برنامه آموزش فلسفه بر خودتنظیمی هیجانی کودکان تأثیر دارد. این در حالی است که عیسی مراد و همکاران (۱۳۹۸) هم از آموزش فلسفه به‌عنوان روشی مؤثر در جهت بهبود همدلی و حل مسئله اجتماعی دانش‌آموزان نام برده‌اند. درنهایت پژوهش لام (۲۰۲۲) و هامبرتو و همکاران (۲۰۲۲) بیانگر آن است که آموزش فلسفه می‌تواند سبب بهبود عملکرد فردی و اجتماعی کودکان شود. در تبیین اثر آموزش فلسفه به کودکان بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله باید گفت پرورش تفکر فلسفی زمینه رشد و پرورش تفکر استدلالی را برای کودکان فراهم می‌آورد. این امر از این‌رو است که تفکر فلسفی، نحوه استدلال کردن را به کودکان می‌آموزد و کودکان را از این نظر پرورش می‌دهد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ بنابراین کودکان با آموزش مهارت تفکر و استدلال، به شکل عمیق‌تری درباره فرایندها و پردازش‌های اجتماعی خود می‌اندیشند و دانش اجتماعی بیشتری را کسب می‌کنند. چنین روندی سبب می‌شود به

رخدادهای محیطی و اجتماعی محیط آموزشگاه و خانواده حساس‌تر شوند و مسئولیت‌پذیری بیشتری را نیز از خود نشان دهند. در تبیینی دیگر باید گفت در این روش کودک فضای آموزشی را جایی برای پژوهش دربارهٔ سؤالات ذهنی خود و آزمون اندیشه‌ها و باورهایش می‌بیند. آموزش فلسفه برای کودکان موجب می‌شود فضای مقتدرانهٔ کلاس به حلقه‌های کندوکاو فکری فلسفی برای ترویج دموکراسی، استقلال فکری و حساسیت اجتماعی در کودکان تبدیل شود (شیرزادی و همکاران، ۱۴۰۰). به این ترتیب برنامهٔ آموزش فلسفه، کودکان را قادر می‌سازد تا بین موضوعات مختلف اجتماعی که با آن مواجه می‌شوند، ارتباط برقرار کنند، مهارت‌های همکاری و مهارت‌های تفکر را رشد و پرورش دهند، قدرت تفکر استدلالی و انتزاعی را در خود افزایش دهند و در نهایت ارتباطات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتری را برعهده گیرند.

یافتهٔ دوم پژوهش مبنی بر اثر آموزش فلسفه به کودکان بر هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله، با یافته‌های پیشین همسویی دارد؛ چنان‌که دهقان منشادی و همکاران (۱۴۰۰) دریافتند آموزش فلسفه به بهبود خودکنترلی دانش‌آموزان منجر می‌شود. همچنین رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) گزارش کرده‌اند که آموزش فلسفه برای کودکان، تاب‌آوری دانش‌آموزان ابتدایی را افزایش می‌دهد. علاوه‌براین چراغزاده و همکاران (۱۳۹۸) نیز بر این باورند که آموزش فلسفه به کودکان، احساس تنهایی و ناامیدی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد. در نهایت مالبوئف-هارتابیس و همکاران (۲۰۲۱) و ایسیکلار و اوزتارک (۲۰۲۱) نیز نشان داده‌اند آموزش فلسفه ویژهٔ کودکان می‌تواند رفتارهای جامعه‌پسند آنان را بهبود بخشد. در تبیین اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله باید گفت برنامهٔ آموزش فلسفه تأثیرات معناداری بر رشد و پرورش مهارت‌های تفکر، قوهٔ استدلال و قضاوت اخلاقی صحیح کودکان دارد (ایسیکلار و اوزتارک، ۲۰۲۱). براین اساس با برنامهٔ آموزش فلسفه برای کودکان می‌توان کودکانی پرورش داد که درمورد مسائل اجتماعی و اخلاقی جامعه نقاد و خلاق هستند و این‌ها مستلزم تعقل و قضاوت است و این مهم از طریق آموزش فلسفه امکان‌پذیر است. این برنامهٔ آموزشی به معنای عام آن، برای کودک هدف نیست، بلکه این روش کودکان را با فکر کردن، پرسش و پاسخ، کندوکاو و انتقاد آشنا می‌کند و در ضمن روحیهٔ مسئولیت‌پذیری را در آن‌ها به‌وجود می‌آورد (مالبوئف-هارتابیس و همکاران، ۲۰۲۱). براین اساس کودکانی که آموزش فلسفه دیده‌اند، می‌توانند خودشان و جهان را در یک چشم‌انداز جدید ببینند. آن‌ها می‌توانند ایده‌هایی را از دیگران دریافت کنند که ممکن است خطور آن‌ها به ذهنشان غیرممکن باشد؛ بنابراین فلسفه فقط یادگیری ایده‌ها و نظریه‌های فلسفی نیست، بلکه هر کودکی باید مفاهیم ذهنی را به تجارب دیداری منتقل کند. علاوه‌براین برنامهٔ آموزش فلسفه، کودکان را به‌سوی منطقی‌بودن سوق می‌دهد. این برنامه به کودکان کمک می‌کند تا به‌تدریج برای حل مشکلات خود و دیگران تلاش کنند و از فرایندهای تفکر آگاه شوند. به این ترتیب آموزش فلسفه به کودکان سبب می‌شود تا آنان بتوانند به پردازش‌های اخلاقی و ذهنی خود حساسیت بیشتری از خود نشان دهند و تلاش کنند با به‌کارگیری قدرت استدلال، تفکر و انتقاد نسبت به اعمال خویش، رفتارهای اخلاقی بیشتری را نیز از خود نشان دهند که این روند نیز با بهبود در فرایندهای هوش اخلاقی همراه است.

مطالعهٔ حاضر مانند سایر مطالعات با محدودیت‌هایی از جمله محدودبودن جمعیت مورد مطالعه به کودکان دختر ۹ تا ۱۲ ساله مواجه بود که این محدودیت به‌خصوص در حوزهٔ جنسیت برجسته بود. همچنین عدم کنترل متغیرهای شخصیتی، فیزیولوژیکی، اجتماعی و خانوادگی مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان دیگر محدودیت این پژوهش بود. این در حالی بود که عدم استفاده از نمونه‌گیری تصادفی نیز دیگر محدودیت مطالعه حاضر بود. براساس محدودیت‌های موجود در پژوهش پیشنهاد می‌شود پژوهشگران دیگری این پژوهش را در دیگر گروه‌های دانش‌آموزی با مشکلات روان‌شناختی و هیجانی، جنسیت پسر و دیگر رده‌های سنی تکرار کنند. چنین فرایندی امکان تعمیم یافتهٔ حاضر را افزایش خواهد داد. همچنین پیشنهاد می‌شود دیگر پژوهشگران در پژوهش‌های آتی علاوه بر کنترل متغیرهای اثرگذار ذکرشده، برای افزایش تعمیم‌پذیری نتایج از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده کنند. با توجه به اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله، در سطح عملی توصیه می‌شود مسئولان مدارس، مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناختی آموزش و پرورش با به‌کارگیری روان‌شناسان و مشاوران مجرب، خدمات روان‌شناختی کارآمدی را به کودکان با مسئولیت‌پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی پایین ارائه کنند. این فرایند می‌تواند با بهبود وضعیت روانی، هیجانی و اجتماعی این کودکان، خلأهای عاطفی، هیجانی و

روانی آنان را برطرف کند و عملکرد اجتماعی آنان را نیز بهبود بخشد.

۵. سپاسگزاری و حمایت مالی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری تخصصی نویسنده اول مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز بود. از تمام کودکان حاضر در پژوهش، والدین آنان و مسئولان آموزش و پرورش منطقه ۱۲ شهر تهران که همکاری کاملی در اجرای پژوهش داشتند، قدردانی می‌شود. هیچ سازمان دولتی و خصوصی‌ای از این پژوهش حمایت مالی نکرده است.

۶. ملاحظات اخلاقی

به منظور رعایت اخلاق پژوهشی، رضایت کودکان حاضر در پژوهش و والدین آنان برای شرکت در جلسات مداخله آموزش فلسفه به کودکان اخذ شد. همچنین آنان از تمامی مراحل پژوهش و اجرای مداخله مطلع شدند. همچنین به کودکان گروه گواه اطمینان داده شد که پس از تکمیل فرایند اجرایی پژوهش، آنان نیز در صورت تمایل مداخله آموزش فلسفه را دریافت خواهند کرد. همچنین به کودکان هر دو گروه آزمایش و گواه اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه است و نیازی نیست در فرم پرسشنامه مشخصات خود را قید کنند.

۷. تعارض منافع

در این پژوهش هیچ تعارض منافی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

- امینی مقدم، ی.، رضایی، ع. م.، و مکوند حسینی، ش. (۱۳۹۷). ساخت و اعتباریابی مقیاس هوش اخلاقی کودکان مبتنی بر نظریه بوربا. *فصلنامه اندازہ گیری تربیتی*. ۹(۳۴)، ۴۵-۲۷. <https://doi.org/10.22054/jem.2019.40348.1903>
- پورسید، س.، و پورسید، س. (۱۴۰۰). ارتباط هوش اخلاقی با سلامت روان در دانشجویان. *اخلاق در علوم و فناوری*. ۱۶(۱)، ۱۵۴-۱۵۱. <http://ethicsjournal.ir/article-1-2182-fa.html>
- ترتبی نژاد، ح.، قاسم پور، ص.، و طاهونه بان گل خطمی، س. (۱۴۰۰). اثربخشی قصه گویی بر میزان هوش اخلاقی و گنجینه لغات دانش آموزان پایه دوم دبستان. *پویش در آموزش علوم تربیتی و مشاوره*. ۷(۱۵)، ۱۲۳-۱۰۵. https://educationscience.cfu.ac.ir/article_2151.html
- جلائی، م.، چراغ ملایی، ل.، و خدابخش پیرکلانی، ر. (۱۳۹۸). تأثیر بازی مبتنی بر هوش اخلاقی بر وجدان، خویشتن داری و مسئولیت پذیری اجتماعی کودکان بالاستعداد دبستانی. *روان شناسی تربیتی*. ۱۵(۵۴)، ۸۹-۵۹. <https://doi.org/10.22054/jep.2020.38713.2536>
- چراغ زاده، م.، کردنوقابی، ر.، و سهرابی، ز. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر احساس تنهایی و ناامیدی دانش آموزان. *تفکر و کودک*. ۱۰(۱)، ۵۰-۳۷. <https://doi.org/10.30465/fabak.2019.4927>
- دهقان منشادی، م.، شفیعی، ف.، و همتی، ح. (۱۴۰۰). تأثیر آموزش خویشتن داری به شیوه فلسفه برای کودکان بر خودکنترلی دانش آموزان پایه دوم ابتدایی شهر یزد. *پژوهش در آموزش علوم ابتدایی*. ۳(۵)، ۵۰-۳۸. https://reek.cfu.ac.ir/article_1803.html
- رحیمی، س.، واحدی، ش.، و ایمان زاده، ع. (۱۳۹۸). تأثیر آموزش «فلسفه برای کودکان» بر تاب آوری دانش آموزان ابتدایی. *تفکر و کودک*. ۱۰(۲)، ۹۱-۹۱. https://fabak.ihcs.ac.ir/article_8829.html?lang=fa
- رستمی، ک.، فیاض، ا.، مفیدی، ف.، ملکی، ح.، و بهشتی، س. (۱۳۹۸). تأثیر برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان بر میزان مهارت استدلال دانش آموزان پسر. *پژوهش در نظام های آموزشی*. ۱۳(۴۶)، ۳۳-۲۳. <https://doi.org/10.22034/jiera.2019.144300.1584>

- شریعت باقری، م، و نیک‌پور، ف. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی-ارتباطی بر مسئولیت‌پذیری و سازگاری دانش‌آموزان. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*. ۳۲/۹، ۲۰۳-۲۲۰. https://jpmm.marvdasht.iau.ir/article_3159.html?lang=fa
- شیرزادی، م، بیاتی، ش، بدای، آ، و بابادی عکاشه، ن. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر هنجارگریزی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی شهر بروجن. *مجله علوم روان‌شناختی*. ۲۰/۹۱، ۳۰۴-۲۹۵. <http://psychologicalscience.ir/article-1-865-fa.html>
- عیسی مراد، ا، نفر، ز، و فاطمی، ف. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر همدلی و حل مسئله اجتماعی دانش‌آموزان پنجم ابتدایی. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*. ۳۶/۹، ۱۱۷-۱۳۴. <https://doi.org/10.22054/jcps.2020.42545.2139>
- فتحی آذر، ا، تقی‌پور، ک، و حاج آقایی خیابانی، آ. (۱۳۹۸). تأثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر خودتنظیمی هیجانی کودکان کار. *تفکر و کودک*. ۲/۱۰، ۹۵-۱۱۴. <https://doi.org/10.30465/fabak.2020.4930>
- فتحی، ل، احقر، ق، و نادری، ع. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان (P4C) به روش پژوهش مشارکتی بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان. *خانواده و پژوهش*. ۱۵/۱، ۷-۱۸. <http://qjfr.ir/article-1-560-fa.html>
- فتحی، ل، احقر، ق، و نادری، ع. (۱۳۹۸). تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان (P4C) به روش پژوهش مشارکتی بر روابط میان‌فردی دانش‌آموزان. *تعلیم و تربیت*. ۳۵/۴، ۵۱-۶۴. <http://qjoe.ir/article-1-2088-fa.html>
- فلاح مهنه، ت، یمینی، م، و مهدیان، ح. (۱۳۹۷). تأثیر رویکرد محتوایی آموزش فلسفه برای کودکان بر باورهای فراشناختی و تفکر انتقادی دانش‌آموزان ابتدایی. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*. ۱۲/۴۲، ۱۷۲-۱۵۷. <https://doi.org/10.22034/jiera.2018.84470>
- کردلو، م. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان در خانه و مدرسه. *نشریه مشاور مدرسه*. ۴/۱، ۴-۱۱. <https://ensani.ir/fa/article/58350>
- محمدیان، ب، و فرددانی، آ. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان بر ارزیابی تعارض بین والدین و خودگردانی تحصیلی. *تفکر و کودک*. ۹/۱، ۷۲-۵۳. https://fabak.ihcs.ac.ir/article_3529.html

References

- Amini Moghadam, Y., Rezaei, A., & Makvand Hoseyni, S. (2018). Preparation and standardization the moral intelligence of children questionnaire based on Borba's theory. *Quarterly of Educational Measurement*, 9(34), 27-45. <https://doi.org/10.22054/jem.2019.40348.1903> (In Persian)
- Canen, M. J., & Brooker, R. J. (2017). ERN, theta power, and risk for anxiety problems in preschoolers. *Biological Psychology*, 123, 103-110. <https://doi.org/10.1016/j.biopsycho.2016.12.003>
- Cheraghzadeh, M., Kord Noghabi, R., & Sohrabi, Z. (2019). The effectiveness of training philosophy to children on the feeling of loneliness and disappointment of students. *Thinking and Children*, 10(1), 37-50. <https://doi.org/10.30465/fabak.2019.4927> (In Persian)
- Dehghan Manshadi, M., Shafiee, F., & Hemati, H. (2021). The effectiveness of self-care education on children's philosophy on self-control of second grade elementary students in Yazd. *Research in Elementary Education*, 3(5), 38-50. https://reek.cfu.ac.ir/article_1803.html?lang=en (In Persian)
- Falah Mehneh, T., Yamini, M., & Mahdian, H. (2018). The impact of the content approach of teaching philosophy for children on metacognitive beliefs and critical thinking of elementary school students. *Journal of Research in Educational Systems*, 12(42), 157-172. <https://doi.org/10.22034/jiera.2018.84470> (In Persian)
- Fathi Azar, E., Taghipour, K., & Haj Agaie Khiabani, A. (2020). The effectiveness of Teaching Philosophy for Children on emotional self-regulation in labor children. *Thinking and Children*, 10(2), 141-161. <https://doi.org/10.30465/fabak.2020.4930> (In Persian)

- Fathi, L., Ahghar, G., & Naaderi, E. (2020). Teaching Philosophy for Children (P4C) Using a Community of Inquiry Method and its Impact on Students' Interpersonal Relations. *Journal of Education*, 35(4), 51-64. <http://qjoe.ir/article-1-2088-en.html> (In Persian)
- Fathi, L., Ahghar, G., & Naderi, E. (2018). Teaching philosophy for children (p4c) using a community of inquiry method and its impact on students' accountability. *Quarterly Journal of Family and Research*, 15(1), 7-18. <http://qjfr.ir/article-1-560-en.html> (In Persian)
- Gholami Motlagh, F., Nobahar, M., & Raiesdana, N. (2020). The relationship of moral intelligence and social capital with job satisfaction among nurses working in the emergency department. *International Emergency Nursing*, 52, 100911. <https://doi.org/10.1016/j.ienj.2020.100911>
- Humberto, M., Moura, F., & Giannotti, M. (2022). Incorporating children's views and perceptions about urban mobility: Implementation of the "philosophy with children" inquiry approach with young children. *Travel Behaviour and Society*, 26, 168-177. <https://doi.org/10.1016/j.tbs.2021.10.003>
- Isa Morad Roudineh, A., Nafar, Z., & Fatemi, F. (2019). The effectiveness of teaching philosophy on children on empathy and solving social problems elementary school students. *Clinical Psychology Studies*, 9(36), 117-134. <https://doi.org/10.22054/jcps.2020.42545.2139> (In Persian)
- Isiklar, S., & Ozturk, Y.A. (2021). The Effect of Philosophy for Children (P4C) Curriculum on Critical Thinking through Philosophical Inquiry and Problem Solving Skills. *International Journal of Contemporary Educational Research*, 9(1), 130-142. <https://doi.org/10.33200/ijcer.942575>
- Jalaei, M., Cheraghmollaei, L., & Khodabakhsh Pirkalani, R. (2019). The effect of play based on moral intelligence on conscience, self-control and social responsibility of elementary school children. *Educational Psychology*, 15(54), 59-89. <https://doi.org/10.22054/jep.2020.38713.2536> (In Persian)
- Kurdlo, M. (2008). Investigating the factors affecting the social responsibility of students at home and school. *School Counselor Journal*, 4(1), 4-11. <https://ensani.ir/fa/article/58350/> (In Persian)
- Kwok, S.Y. C. L., Gu, M., & Cheung, A. P. S. (2017). A longitudinal study of the role of children's altruism and forgiveness in the relation between parental aggressive discipline and anxiety of preschoolers in China. *Child Abuse & Neglect*, 65, 236-247. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2017.02.004>
- Lam, C. (2022). A Philosophy for Children Approach to Professional Development of Teachers. *Cambridge Journal of Education*, 53(1), 1-17. <https://doi.org/10.1080/0305764X.2022.2056143>
- Lennick, D., & Kiel, F. (2011). *Moral Intelligence 2.0: Enhancing Business Performance and Leadership Success in Turbulent Times*. Pearson Prentice Hall, Upper Saddle River.
- Lipman, M. (2003). *Thinking in education* (2nd Ed.). Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511840272>
- Malboeuf-Hurtubise, C., Léger-Goodes, T., Mageau, G. A., Joussemet, M., Herba, C., Chadi, N., ... & Gagnon, M. (2021). Philosophy for children and mindfulness during COVID-19: Results from a randomized cluster trial and impact on mental health in elementary school students. *Progress in Neuro-Psychopharmacology and Biological Psychiatry*, 107, 110260. <https://doi.org/10.1016/j.pnpbp.2021.110260>
- Mohammadiyan, B., & Farghadani, A. (2018). The effectiveness of teaching philosophy for children on the assessment of conflict between parents and academic self-management. *Thinking and Children*, 9(1), 53-72. https://fabak.ihs.ac.ir/article_3529.html?lang=fa (In Persian)
- Pourseyed, S. M., & Pourseyed, S. R. (2021). The relationship between Ethical Intelligence and mental health in students. *Ethics in Science and Technology*, 16(1), 151-154. <http://ethicsjournal.ir/article-1-2182-en.html> (In Persian)

- Qu, G., Wang, L., Tang, X., Wu, W., Zhang, J., & Sun, Y. (2020). Association between caregivers' anxiety and depression symptoms and feeding difficulties of preschool children: A cross-sectional study in rural China. *Archives de Pédiatrie*, 27(1), 12-17.
<https://doi.org/10.1016/j.arcped.2019.11.007>
- Rahimi, S., Vahedi, S., & Imanzadeh, A. (2020). The effect of "philosophy for children" education on resiliency of elementary students. *Thinking and Children*, 10(2), 91-112.
https://fabak.ihecs.ac.ir/article_8829.html?lang=en (In Persian)
- Ren, L., & Xu, W. (2019). Coparenting and Chinese preschoolers' social-emotional development: Child routines as a mediator. *Children and Youth Services Review*, 107, 104549.
<https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2019.104549>
- Rostami, K., Fayaz, I., Mofidi, F., Maleki, H., & Beheshti, S. (2019). The effect of philosophy for children educational program on the reasoning skills of the fifth grade elementary school boy students. *Journal of Research in Educational Systems*, 13(46), 23-33.
<https://doi.org/10.22034/jiera.2019.144300.1584> (In Persian)
- Shariat Bagheri, M., & Nikpour, F. (2018). The effect of teaching socio-communicative skills on accountability and adaptation with school in students. *Psychological Models and Methods*, 9(32), 203-220. https://jpmm.marvdasht.iau.ir/article_3159.html?lang=en (In Persian)
- Shirzadi, M., Bayati, S., Bodaghi, A., & Babadi Akasheh, N. (2021). The effectiveness of philosophy for children program on academic incivility and academic engagement of sixth grade male students in borujen. *Journal of Psychological Science*, 20(98), 295-304.
<http://psychologicalscience.ir/article-1-865-en.html> (In Persian)
- Siddiqui, N., Gorard, S., & See, B. H. (2019). Can learning beyond the classroom impact on social responsibility and academic attainment? An evaluation of the Children's University youth social action programme. *Studies in Educational Evaluation*, 61, 74-82.
<https://doi.org/10.1016/j.stueduc.2019.03.004>
- Torbatinezgad, H., Ghasempoor, S., & Tahooneban Gol Khatmi, S. (2022). The effectiveness of storytelling on the level of moral intelligence and vocabulary of second grade students. *Journal of Pouyesh in Education and Consultation (JPEC)*, 7(15), 105-123.
https://educationscience.cfu.ac.ir/article_2151.html?lang=en (In Persian)
- Whalen, D. J., Sylvester, C. M., & Luby, J. L. (2017). Depression and anxiety in preschoolers: A review of the past 7 years. *Child and Adolescent Psychiatric Clinics of North America*, 26(3), 503-522. <https://doi.org/10.1016/j.chc.2017.02.006>
- Wubbolding, R. E., Robey, P., & Brickell, J. (2010). A partial and tentative look at the future of choice theory, reality therapy and lead management. *International Journal of Choice Theory and Reality Therapy*, 19(2), 25-34. https://www.wglasserinternational.org/wp-content/uploads/bsk-pdf-manager/newsletter_Spring2010.pdf
- Yildirim, E. D., Roopnarine, J. L., & Abolhassani, A. (2020). Maternal use of physical and non-physical forms of discipline and preschoolers' social and literacy skills in 25 African countries. *Child Abuse & Neglect*, 106, 104513. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2020.104513>